

www.ketab.ir

نبض واژه ها
منتخب مقالات

سالار عبدی



نشر آثار برتر





نشر آثار برتر



نبض واژه ها

شنا سنامه : سالار، عیدی ۱۳۵۸	کتاب: نبض واژه ها
عنوان پدید آور: نبض واژه ها	مؤلف : دکتر سالار عیدی
سالار عیدی	قالب: منتخب لات
مشخصات نشر: کرج آثار برتر ۱۳۹۹	تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
مشخصات ظاهری : ۳۶۶ ص.	چاپ اول: ۱۳۹۹
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۶-۱	قیمت : ۹۹۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی : فیفا	ناشر: انتشارات آثار برتر
رده بندی کنگره : PNA۱	
رده بندی دیویی : ۹۵/۸	
شماره کتابشناسی ملی : ۷۳۰۹۷۷۵	

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است.

پست الکترونیک : Bartarasar@gmail.com | شماره تماس : ۰۹۲۱۳۹۴۱۹۳۶

سخنی با خرانندگان آثارم ؛

در طول این سال ها شاید مقالات و نوشته های متعددی به قلم بنده در نشریات و بسترهای مختلف داغدم - اینترنتی خوانده اید و این مهم بیش و پیش از همه افتخاری بس بزرگ است برای صاحب این قلم که توانسته است آرا و افکار خود را در معرض خوانش مستقیم اهالی فرهنگ و هنر این سرزمین قرار بدهد. اما آنچه برای من از جهتی دیگر حایر اهمیت و اعتبار است ، جای گاهی است که مقوله نقد و نقادی در کشور ما باید داشته باشد و متاسفانه هنوز چنان که باید و شاید آن را کسب ننموده است! البته روز به روز با پیش رفت و حرکت به سمت جلو ، فضا برای این مهم هم باز و بازتر می شود و به عقیده من هر صاحب هنر و قلمی باید بداند که پیش از هر چیزی آن چه به هنر - حال از هر نوع و رسته ای - صیقل می دهد و بهادارش می کند ، هنر نقد است که می تواند غبار از آیینۀ هر عرضه شده ای در این وادی بزداید و به علاوه صاحب اثر را به صورت شگفت انگیزی ارتقا دهد و خواسته یا ناخواسته باعث ترقی هنرش گردد.

نقد و نقادی، هنر متعالی را رواج می دهد و محیط هنری سالمی را به وجود می آورد. چه بسا بعضی نقادان، موجب تحول شگرفی در عالم ادبیات و هنر شده اند. با این وجود، گروهی انتقاد را حربه عاجزان دانسته اند، حربه کسانی که چون خود از عهده آفرینندگی بر نیامده اند، به خرده گیری بر دیگران پرداخته اند. چخوف، نویسنده روسی، نقادان را چون خرمگس هایی می داند که بر پیکر

اسب می نشینند و او را نیش می زنند و از شخم زدن زمین باز می دارند!

حقیقت این است که نقد راستین، گذشته از این که گاه خود نوعی آفرینش هنری است، سازنده بوده و اهمیت فراوان دارد. بنابر این در یک کلام می توان نتیجه گرفت نقد بر اساس ارزش ها و بهای واقعی هر اثر، با توجه به سطحی که اثر در آن وجود دارد یا شرایط زمانی و مکانی که در آن خلق شده و یا وجود دارد، موجب تعالی و یویایی اثر می شود. در حقیقت یک انتقاد کامل و به دور از غرض ورزی، موجب خلق و پیدایش گونه های جدیدی از آثار یا نمایان شدن گوشه های پنهان و زوایای تاریک هر اثر هنری می گردد!

البته در نقد معاصر بیش از هر چیزی بر واکنش مقدم بر نقد تاکید شده است و واکنش مقدم بر نقد، استنباط شنونده عادی اثر هنری را به تصویر می کشد که ممکن است با یک نقد حرفه ای و مطابق اصول ارزش ها متفاوت باشد اما این میزان تاثیرگزاری یک اثر هنری است که مهم جلوه داده می شود نه بحث های تخصصی منتقدانه در خصوص آن اثر!

سوزان سونتگ در اوایل قرن بیستم در مقاله ای با نام ردّ بر تفسیر، هر نوع تحلیل هنری را آلوده کننده اثر ادبی می شمارد و معتقد است، هنر روحی خلّاق و آزاد دارد که سرشار است از احساس اما نقد یک چهارچوب خشک از پیش تعیین شده دارد که به این روح خلّاق و آزاد لطمه می زند و قصد دارد آن

را در چهارچوب غیر قابل انعطاف خود سامان دهد و این غیر قابل توجیه است! و نتیجه این گفتارها در این باب این می شود که باید به عوض تاویل متن (هرمنوتیک) به شناخت قدرت تهییج هنر (علم اروتیک) روی آورد!

البته پیش از سونتگ ، صاحب نظران دیگری چون فیدلر ، به ارجحیت دادن جنبه جذبه در یک اثر هنری بر سایر جوانب آن تاکید کرده بودند و جذبه را شاخص اساسی برای ارزش گذاری یک اثر هنری تعریف و تعیین می نمودند! این باد مهم نیست که اثر هنری از لحاظ اصول نقد مدرن تا چه اندازه ارزش مند است بل که این مهم است که چه اندازه در شما تاثیر می گذارد و جذب تان می کند (هنر پاپ) .

دیوید بلیک ، تیر در کتب ، خود ، Reading& feelings ، تاثیر یک قطعه ادبی در خواننده (واکنش خواننده پس از خوانش اثر) را مهم می شمارد و بدین سان با این روشی که بیش تر در جهت فرد گرایانه حرکت می کند می بینیم که نظریه ها نیز بیش تر به سوی جنبه های روان شناسی پیش می تازند! بلیک معتقد است اثر ، هستی مستقلی ندارد بل که وابسته است به تاثیری که روی خواننده دارد و این محوریت دادن به خواننده به جای مولف ، به شدت ذهنی ست. سوپژکتیویته است نه ابژکتیویته!

و بدین سان نظریه پردازان دیگری چون مندل برت نیز منظور و مقصود از یک اثر هنری را کشف هویت خواننده می دانند و با این شگرد به سوی خواننده محوری و کم رنگ تر شدن هرباره مولف در خلق اثرش حرکت می شود اما آن چه من نیز بدان معتقد هستم این نکته است که واکنش مقدم بر نقد در واقع چیزی جدا از خود نقد نیست و همانا احساس و دانش (که یکی واکنش مقدم بر نقد را نمایندگی می کند و دیگری نقد را) ، در حقیقت هم زمان عمل می کنند